

Communication Rationality in the World and the Corona Virus Pandemic (Covid-19)

Covid-19 Virus Epidemic and its Impact on the Formation of a Communicative Rationality Focused on Cosmopolitanism

Abdolmajid Moballeghi*

Abstract

This Paper explains the various aspects of the effect of the Covid-19, Corona, epidemic on the development of communication rationality. The main question of the paper is what significant social consequences does the corona have in the global public sphere and its dependent global consciousness system? It argues that the Corona crisis has unprecedentedly expanded and deepened the possibility of dialogue on beneficial lifestyles that focus on the public good at the transnational level; A dialogue that, based on the shaping of rational agreements in the global public sphere, can lead to the promotion of effective communication rationality for the expansion of Cosmopolitanism. The paper shows that even now, influenced by these global dialogues on the Corona epidemic, the global public sphere has been able to address the diverse interconnectedness of human interests, regardless of ethnic, sexual, or national characteristics, more than at any time in contemporary history. Accordingly, it predicts that more systematic attention to issues such as sustainable development at the level of global policy-making in the post-corona space will be among the results of this situation.

Keywords: Corona virus, Communication Rationality, Cosmopolitanism, lifeworld, System

* Assistant Professor of Political Science, Institute of Political Thought, Revolution and Islamic Civilization, Institute of Humanities and Cultural Studies. a.moballeghi@ihcs.ac.ir

Date received: 23.11.2020, Date of acceptance: 20.01.2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

عقلانیت ارتباطی در سطح جهان و همه‌گیری ویروس کرونا (کووید-۱۹)

همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ و تاثیر آن بر گسترش عقلانیت ارتباطی

معطوف به جهان شهر گرایی

عبدالمجید مبلغی*

چکیده

این نوشتار به توضیح سطوح اثرگذاری همه‌گیری ویروسی کووید-۱۹، کرونا، بر گسترش عقلانیت ارتباطی می‌پردازد. پرسش اصلی نوشتار آن است که کرونا چه پیامدهای اجتماعی قابل توجهی را در حوزه عمومی جهانی (نظام آگاهی فرا-ملی) برجای نهاده است؟ مدعای نوشتار آن است که بحران کرونا امکان گفت و گوی زیست جهان را در باب خیر عمومی در سطح فرا-ملی گسترشی بی سابقه داده است؛ گفت و گویی که، در مسیر شکل بخشی به توافق‌های خردورزانه در حوزه عمومی جهانی، منجر به ارتقاء عقلانیت موثر جهت بسط جهان شهرگرایی شده است. حاصل آن که امروزه روز حوزه عمومی جهانی، توانمندتر از هر زمان دیگری در تاریخ معاصر، قادر به لحاظ به هم پیوستگی منافع بشری به گونه‌ای و برای معیارهای قومی، جنسی و ملی گردیده است. توجه بیش‌تر به مقولاتی هم چون توسعه پایدار در سطح جهان در فضای پسا-کرونا از جمله نتایج این رویکرد بوده است. روش این پژوهش تحلیلی-توصیفی است و طی آن تلاش شده است تا با مراجعه به منابع طراز نخست درکی از مراتب این تحول مهم و در حال پدیداری ارایه گردد.

کلیدواژه‌ها: ویروس کرونا، عقلانیت ارتباطی، جهان شهرگرایی، زیست جهان، سیستم

* استادیار علوم سیاسی پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، a.mobaleghi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

۱. مقدمه

گسترش کوید ۱۹، ویروسی از خانواده کرونا، همگان را غافلگیر کرده است. تحت تاثیر فرایندهای جهانی شدن این ویروس راه خود را تقریباً به چهار گوشه دنیا گشوده است و سبک زندگی آحاد بشر را در سراسر گیتی دستخوش تغییرات کمابیش مشابهی قرار داده است. فراتر از مباحث فنی و راه حل های پزشکی، جست و جوی پاسخ هایی به پرسش های ناشی از تحول در سبک زندگی متأثر از بحران همه گیری کرونا، از یک سوی، و کنکاش جهت دستیابی به راه حل هایی برای عبور از مشکل فعلی از منظر استعداد علوم انسانی، در وهله نخست، و جلوگیری از بروز و ظهور مشکلاتی از این دست یا کاهش احتمال رخداد آن، در وهله بعدی، از جمله مهم ترین تلاش هایی است که امروزه روز اندیشمندان را در جوامع مختلف به خود مشغول ساخته است. به باور این نوشتار، در مراجعه به نظریه کنش ارتباطی (Theorie des kommunikativen Handelns/The Theory of Communicative Action) از یک سوی (Habermas, 1988: 11-23) و توضیح نسبت آن با جهان شهرگرایی از سوی دیگر (Goode and Goode, 2005: 89) می توان به توضیحی از پیامدهای ناشی از همه گیری کرونا در عرصه فراسملی نایل آمد که اولاً بیانگر شکل گیری مراتب تازه و موثری از آگاهی انتقادی معطوف به خیر عمومی در میان آحاد بشر، فارغ از مرزهای سیاسی، است و ثانیاً مستعد رویکرد به بستر جدیدی جهت توافق و همدلی بر اساس خواست زیست جهان در سطح جهان می باشد؛ تحولی که، به نوبه خود، می تواند، بسی بیش از گذشته، راه به ایده جهان شهر قاعده گرا (constitutional cosmopolitan) بگشاید. زمینه های معرفت شناختی این تحول مهم را باید در مراجعه به دینامیسم منجر به شکل گیری عقلانیت ارتباطی (Kommunikative Rationalität/communicative rationality) ذیل تاملات یورگن هابرماس در باب وجه ارتباطی عقلانیت از یک سوی و نسبت آن با نگرش جهان شهری امانوئل کانت در تحلیل مکانیزم تحقق عقلانیت و تشخیص ظرفیت آن بر اساس صلح پایدار (Zum ewigen Frieden/perpetuate peace) از سوی دیگر توضیح داد.

با لحاظ آن چه آمد می توان به طرح مدعای نوشتار پرداخت. این پژوهش بر آن است که همه گیری ویروس کرونا در جهان، به اقتضای شکل بخشی به دغدغه ای مشترک و خطیر جهت حفظ حیات همه آحاد بشر، مستعد پدیداری گفت و گوی انتقادی در عرصه عمومی فراسملی و حوزه جهانی است. این عرصه، که بنا بر سرشت خود در فضای خارج

از اراده و تسلط سیستم‌های حایز قدرت و ثروت، قرار دارد، راه بر ارتقاء عقلانیت ارتباطی می‌گشاید و بسترهای عینی و ملموس منجر به ارتقاء مراتب مشخصی از ایده جهان شهرگرایی را، هم چون توجه به توسعه پایدار جهانی، گسترش می‌دهد. مشخصاً این عقلانیت حایز آگاهی ضروری برای عبور از بحران کرونا و مستعد کنشی ارتباطی است که، در فرض توان‌یابی و گسترش، به محدودسازی زمینه‌های منجر به شکل‌گیری مواردی مشابه با این بحران خواهد انجامید. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در پی فراگیری کرونا، اکنون می‌توان سطوحی از این آگاهی و کنش ارتباطی ناشی از آن را در زنجیره‌ای از گفت و گوی انتقادی فراگیر و معطوف به مشکلات فراملی و جهانی سراغ گرفت و مشاهده کرد.

این مقاله شامل دو بخش اصلی و بخش نتیجه‌گیری است. بخش نخست مقاله به بررسی عقلانیت ارتباطی و ایده جهان شهرگرایی، که توسط یورگن هابرماس (Jürgen Habermas) بسط یافته است، و اثرپذیری نظام مند این رویکرد از کانت (Emanuel Kant) می‌پردازد و بخش دوم به آرایه شواهد و عرضه دلایلی همت می‌گمارد که موضح نسبت میان شرایط ناشی از همه‌گیری ویروسی کرونا و شکل‌گیری زمینه‌های رویکرد به عقلانیت ارتباطی در سطح جهان به مثابه بستر جهان شهرگرایی است.

۲. بخش نخست: نظریه عقلانیت ارتباطی و نسبت آن با جهان شهرگرایی با توجه به شرایط پس از همه‌گیری جهانی کرونا

عقلانیت ارتباطی به مثابه بخشی از نظریه کنش ارتباطی هابرماس پیشنهاد گردید. وی از یک سوی تحت تاثیر سنت نظریه انتقادی روشنگری قرار دارد و در ادامه چهره‌های مرکزی و مهم آن (کانت، هگل و مارکس) مباحث خود را مطرح می‌سازد و از سوی دیگر میراث دار مکتب انتقادی فرانکفورت است و پس از شخصیت‌های پیشین این مکتب (آدورنو، بنیامین و مارکوزه) قرار می‌گیرد. (Joseph, 2014: 113) وی علاوه بر نظریه عقلانیت ارتباطی به طرح مبحثی مهم ذیل عنوان جهان شهرگرایی (Kosmopolitismus/cosmopolitanism) می‌پردازد. این مبحث به صورت نظام مند در ارتباط با گسترش عقلانیت ارتباطی در عرصه فراملی مطرح می‌گردد. بر این اساس عقلانیت ارتباطی مستعد گسترش تدریجی ساختارهای حقوق بین‌الملل (Strukturen des Völkerrechts/structures of international law) شناسایی می‌گردد. این گسترش‌یابی، که مصادف می‌شود با هویت

یابی متقابل محلی (localized mutual identification) در قالب اتفاق نظر مدنی (civic solidarity)، حاوی ظرفیتی نظری جهت حرکت به سمت ایده جهان شهرگرایی است. در واقع بسط عقلانیت ارتباطی در عرصه عمومی فراملی و جهانی به پدیداری الگوی اخلاقی به اشتراک نهاده شده زندگی (shared ethical pattern of life) میان آحاد مردم دنیا، فراتر از مرزهای ملی و مناسبات دولت-ملت پایه (nation-state based)، می انجامد و این مهم خود راه به پرورش فهم های مشترک (fostering mutual understandings) می برد که در مسیر شکل بخشی به ذهنیت عمومی لازم برای جهان شهرگرایی ضرورت دارد.

کنش ارتباطی با مسئله «فهم» (Verständnis-Verstehen-/understanding) ارتباط می یابد و در آن طرح مدعیات قابل قبول میان دو سوی گفت و گو حایز اهمیت می گردد. از منظر هابرماس تعامل منجر به فهم، بیانگر مکانیزمی است که از طریق آن همکاری بازیگران مختلف ممکن می گردد (Wallgren, 2006: 317) و هدف آن فهم متقابل دستیابی به توافق مستعد رویکرد به قاعده مندی است. (Kirby, 2000: 544) عقلانیت ارتباطی دستمایه و منطق موثر در کنش ارتباطی جهت تحقق این هدف است؛ چه آن که از رهگذر عقلانیت و خرد ناشی از ارتباط است که کنش ارتباطی ممکن و میسر می شود. حال باید پرسید که عقلانیت ارتباطی خود چگونه، و کجا، پدیدار می گردد. جهت توضیح چگونگی شکل گیری عقلانیت ارتباطی باید به مفهوم مرکزی حوزه عمومی (Öffentlichkeit/public sphere) پرداخت. حوزه عمومی، برخلاف حوزه خصوصی، محل مشاع میان افراد مشارکت کننده در آن است. اگر عرصه عمومی این گفت و گو، فراتر از مرزهای یک جامعه و در باب دغدغه های جهانی باشد؛ آن گاه گفت و گو مستعد تقویت نگرش جهان شهری می گردد؛ نگرشی که بیانگر شکل گیری عقلانیت ارتباطی در سطح زیست جهان آحاد بشریت در فضای مشاع میان ایشان در سطح جهان، و نه محدود به حوزه عمومی درونی جوامع، است. این عقلانیت به محدود گردیدن توانایی های سیستم ها در عرصه جهانی (صاحبان قدرت و ثروت جهانی) می انجامد.

جهت توضیح این مسئله باید به تفکیک مرکزی هابرماس میان زیست جهان (Lebenswelt/lifeworld) و سیستم (System/system) توجه کنیم. (Dietz, 1993: 69-72) زیست جهان عرصه بروز و ظهور تلاش ها، فعالیت ها، ارتباطات و مناسبات برقرار میان اعضای حقیقی و افراد واقعی است؛ در حالی که سیستم محل نقش آفرینی و حضور دیوانسالاران سیاسی و اقتصادی است. عرصه عمومی میان زیست جهان و سیستم قرار دارد

و مستعد آن است که تحت تاثیر هر یک از این دو قرار گیرد. سیستم، آن گاه که عقلانیت ارتباطی در عرصه عمومی حاکم گردد، خادم زیست جهان و در راستای منافع عموم عمل می‌کند. در فضایی از این دست صداقت بر سیستم حکم می‌راند و سیستم کارکردی صادقانه می‌یابد. اما، در فراغ عقلانیت ارتباطی، آن گاه که عقلانیت ابزاری (instrumentelle Rationalität /instrumental rationality) از جانب سیستم بر روابط حکم فرما شود، سیستم با سوء استفاده از زبان جاری در عرصه عمومی، که هم چنان که توضیح خواهیم داد به اقتضای کارکرد زبان در این حوزه میل به علائق عموم و خیر جمعی دارد، منافع خود را به جای منافع عموم به مردم می‌فروشد و در عمل روابط نظام صدقات گریز بر مقدرات جامعه حاکم می‌گردد. توضیح دقیق تر آن که اگر سیستم بر اساس عمل ابزاری (instrumentelles Handeln/instrumental action) و نیز عمل استراتژیک (strategisches Handeln/strategic action) برحوزه عمومی تسلط یابد می‌تواند جامعه را به اطاعت و انقیاد وادارد؛ ولی اگر زیست جهان با تکیه بر عمل ارتباطی (kommunikatives Handeln/ communicative action) در حوزه عمومی مصدریت پیدا کند و بر مبنای گفت و گو حوزه عمومی را تحت تاثیر خویش درآورد آن گاه مردم سالاری در حوزه سیاست و دیگر مناسبات ناشی از آگاهی در حال شکل‌گیری و رونق‌یابی مداوم بر اجتماع حاکم می‌گردد. نکته آن جا است که سیستم عقلانیت معطوف به هدف (Zweckrationalität/purposive rationality) را می‌پروراند و بر پایه آن خواهان بسط کار (Arbeit/work) در جامعه می‌گردد؛ در حالی که زیست جهان خود عقلانیت (Rationalität/ rationality) را می‌پرورد و بر اساس آن تعامل (Interaktion/interaction) معطوف به گسترش آگاهی را دامن می‌زند. حوزه عمومی محل به هم رسیدن علائق متفاوت و متناقض این دو با یکدیگر است. هر یک که بر دیگر فایق آید منطق آن عرصه اجتماع را در می‌نوردد. در فراغ گفت و گوی انتقادی موثر در محیط، سیستم زیست جهان را به دلیل فایق آمدن عقلانیت ابزاری بر خرد معطوف به نیازهای زندگی سیاسی و اجتماعی استعمار (Kolonisation/colonisation) می‌نماید. در شرایطی از این دست زیست جهان اصالت خود را از دست می‌دهد و تا سطح شاخه‌ای ذیل سیستم حاکم، به مثابه یک ساب سیستم از آن، تغییر جایگاه می‌یابد. در شرایطی از این دست به جای تعامل، کار و به جای عقلانیت ارتباطی عقلانیت ابزاری در محیط مصدریت و اولویت می‌یابد. در مقابل آن گاه که بصیرت ناشی از عقلانیت ارتباطی در حوزه عمومی بسط می‌یابد، آگاهی ناشی از آن به محیط امکان می‌دهد تا در مقابل میل سیستم به مهار زیست جهان مقاومت کند. (Brigham, 2012: 35) به این ترتیب عقلانیت ابزاری مورد

حمایت سیستم در جامعه نمی‌پرورد و تعامل، و نه کار، مبنای کنش اجتماعی می‌شود؛ کنشی که در نظریه عقلانیت ارتباطی از آن ذیل عنوان کنش ارتباطی یاد می‌گردد. همین معادله در عرصه جهانی نیز قابل شناسایی است؛ یعنی آن‌گاه که سیستم‌های کنترل قدرت و ثروت جهانی، فضای حوزه عمومی را اشغال نمایند راهی برای بروز و ظهور زیست جهان آحاد جامعه جهانی باقی نمی‌ماند. در مقابل اگر عرصه جهانی به مکانی برای گفت و گوی سازنده و انتقادی میان شهروندان جهانی در ارتباط با منافع مشترک و مشاع جهانی تبدیل شود آن‌گاه امکان مهار سیستم‌های قدرت و ثروت جهانی، که به جای منافع عمومی به منافع صاحبان قدرت و ثروت جهانی می‌اندیشد، باز می‌گردد و عقلانیت ارتباطی منجر به پیشبرد جهان شهرگرایی می‌گردد.

جهت توضیح این مسئله باید به کارکرد زبان عرصه عمومی در ارتباط با شکل‌گیری عقلانیت پردازیم. میل زبان به اولویت بخشیدن به منافع جمعی در حوزه عمومی، از فرض پایه‌ای حاکم بر بهره‌گیری از زبان در عرصه عمومی جهت لحاظ نظام‌مند خیر جمعی و منفعت مشاع مشترک برمی‌خیزد. این مسئله بیانگر مفروضی پایه‌ای در زبان جهت رویکرد به رهایی بخش اجتماعی (gesellschaftlicher Emanzipation/social emancipation) است. توانایی زبان عرصه عمومی جهت رهایی بخشی به آن معنا است که بهره‌گیری گسترده از زبان در عرصه عمومی توسط زیست جهان (و خارج از کنترل سیستم) عقلانیت را در سطح محیط (و نه فرد) پدید می‌آورد. نکته آن‌جا است که زبان عرصه عمومی به ارتباطاتی میان مشارکت‌کنندگان در تعامل زبانی پروبال می‌دهد که به اقتضای منفعت جمع، خیر عمومی را مبنای قرار می‌دهند. این جریان زبان‌شناختی، آن‌گاه که جنبه‌ای شبکه‌ای و پیوستار می‌یابد و حایز وجهی انتقادی نیز می‌گردد منجر به شکل‌گیری عقلانیت ارتباطی می‌شود. در فرض شکل‌گیری این شرایط (کاربرد گسترده زبان در عرصه عمومی به شیوه‌ای انتقادی در ارتباط با دیگر اظهارات عرصه عمومی و نیز اظهارات سیستم در عرصه عمومی) ما با زنجیره پیوستاری از اعمال زبانی (Sprechakt/speech acts) مواجه خواهیم گردید که ناظر بر پرسش از چندوچون دستیابی به خیر عمومی است. آگاهی و عقلانیت ارتباطی محصول این گروه از روابط است و در دل مناسباتی از این دست تولد می‌یابد؛ عقلانیتی که دستمایه اصلی محیط می‌گردد برای کنترل سیستم.

کنش زبانی منجر به شکل‌گیری این عقلانیت آن‌گاه وجهی فاعلانه و عاملانه میان مشارکت‌کنندگان پیدا می‌کند و راه را بر سوء استفاده از زبان می‌بندد که در قالب «یک گفت و گوی غیر-اقتدارآمیز» (ein herrschaftsfreier Dialog/a non-authoritarian dialogue)

تحقق یابد. (Fuchsund Hofkirchner, 2003: 170) منظور از جریان یابی یک گفت و گوی غیر-اقتدارآمیز شکل بخشی به فضای گفت و گو محور توسط زیست جهان به شیوه‌ای خارج از تسلط سیستم (هم چون نظم‌های متشکل از صاحبان قدرت و ثروت در سطح بین‌الملل در موضوع جهان شهر گرایی) است.

استعداد گفت و گو برای بسط عقلانیت ارتباطی موثر در جهان شهرگرایی را باید در جهان شمولی مقوله «فهم» توضیح داد. بر اساس نظریه عقلانیت ارتباطی فهم مشترک از طریق شناسایی متقابل (Gegenseitige Anerkennung /reciprocal recognition) میان گفت و گو کنندگان در عرصه عمومی میسر می‌شود؛ به صورت دقیق این فهم ناشی از شناسایی بینا-ذهنی (intersubjektive Anerkennung /intersubjective recognition) مدعیات معتبری (Geltungsanspruch/validity claims) است که مشارکت کنندگان در گفت و گو پیش می‌کشند و طرح می‌نمایند. اجماع بر این اعتبار امکان گفت و گو را، در غالب عمل گفتاری ارتباطی (Kommunikative Sprechakte/communicative speech acts)، در عرصه عمومی فراهم می‌آورد. جهت روشن سازی این مسئله هابرماس، ضمن بهره‌گیری از هم‌ریشگی اصطلاحات فهم (Verständnis-Versehen-/understanding) و توافق (Einverständnis/agreement) در زبان آلمانی، که خود ناشی از منطق مشترک برقرار میان فهم موقعیت و توافق به مثابه فهم مشترک از موقعیت است، توضیح می‌دهد: «هدف نیل به فهم، رسیدن به توافقی است که بر اساس دو-جانبگی بینا-ذهنی درک متقابل، آگاهی مشترک، اعتماد دو-سویه و توافق با یکدیگر فرجام می‌یابد» (Habermas, 2000: 23)

به این ترتیب ابتدای عقلانیت ارتباطی بر روابط معطوف به خیر عمومی نه تنها چارچوب معتبری را برای گفت و گو شکل می‌بخشد؛ بلکه، به اقتضای ماهیت انتقادی خود، محک‌های نقد کمابیش قابل اعتماد و بعضاً مورد اجماعی را برای ارزیابی نهادهای موثر در محیط، و رویه‌ها و روندهای ناشی از حضور آن‌ها در عرصه عمومی، به دست می‌دهد. (Bevir, 2007: 123) به این ترتیب عقلانیت ارتباطی، به دلیل ابتدای آن بر سرشت ارتباطی عقلانیت، تغییری پارادایمیک (Paradigmenwechsel/paradaimic change) را در نظریه اجتماع (Gesellschaftstheorie/social theory) ایجاد نموده است. (Brockmeyer, 2007: 3) رویکردی از این دست به اجتماع، نگاه این نظریه به سازوکارهای عملکرد جامعه را اساساً با نگرش کلاسیک جامعه‌شناسی و رویکردی پارسونزی به آن متفاوت می‌سازد. (Habermas, 1995: 229) این نشان‌گر آن است که نظریه کنش و عقلانیت ارتباطی

صرفاً بیانگر وجهی توصیفی نیست بلکه گویای وجهی تجویزی نیز هست. جهت فهم دقیق وجه تجویزی نظریه کنش ارتباطی باید به شرایط و ضوابط گفت و گوی موثر در بسط عقلانیت توجه نمود. مشخصاً باید این نکته را لحاظ داشت که شکل گیری گفت و گو با توجه به مفروضی پایه ای در عرصه عمومی همراه است. این فرض پایه ای برقراری شرایط احترام متقابل (gegenseitiger Respekt/mutual respect) و بی طرفی (Unparteilichkeit/impartiality) بر گفت و گو است. (White, 1995: 239) دینامیسمی از این دست به فضای فرا-ملی نیز کشیده می شود و قادر به توضیح عقلانیت ارتباطی منجر به فلسفه جهان شهرگرایی می گردد.

نظریه عقلانیت ارتباطی بر پایه مراجعه ای تاریخی به کارکرد کافه ها، باشگاه ها، سالن ها اجتماعات هنری و مطبوعات در اروپای قرن هجدهم به ثمابه بستر گفت و گوهای خارج از سیستم و بر پایه زیست جهان معرفی گردیده است؛ گفت و گوهایی که شکل گیری حوزه عمومی بروژوایی (bürgerliche Öffentlichkeit/bourgeois public sphere) در پی گسترش آن ها ممکن گردید. منظور از حوزه عمومی بروژوایی نوع جدیدی از روابط اجتماعی بود که، در پیوستگی با تحولات تاریخی بروژوایی اروپای قرون هجدهمی، ممکن گردید (Trentmann, 2012: 260) و در آن حوزه عمومی بروژوایی در مقابل سنت کلاسیک قد علم کرد. این حوزه بیانگر انتقال از عهد اقتدار پدسالارانه عصر قدیم اروپایی به عصر تساوی در گفت و گو و همفکری بود. پژوهشگران تاریخ آموزش از این سنت به مثابه هدلیزی یاد کرده اند که به اشخاص به مثابه شخصیت خصوصی امکان داد تا به خردورزی در عرصه عمومی بپردازند. (Ahier and others, 2005: 152) نباید به غلط پنداشت حوزه عمومی بروژوای صرفاً مربوط به علایق بروژوایی بود؛ بلکه، بسی فراتر، مربوط به علایق اکثریت بود که در پی از میان رفتن اقتدار پیشین امکان گفت و گو یافته بودند. (Negt and others, 2010: 122) مسئله آن جا است که ساختار جوامع قرن هجدهمی به گونه ای، تحت تاثیر ایده های روشنگری و تحولات اقتصادی، شکل گرفته بود که فضای موثری برای گفت و گوی انتقادی در جامعه بروژوایی پدید آمد و این امکان تاریخی تحولی بزرگ را سبب گردید.

با لحاظ چارچوب نظری ارایه شده در بخش نخست نوشتار می توان به بررسی فضای پسا-کرونا و گسترش عقلانیت ارتباطی منجر به جهان شهرگرایی طی آن پرداخت. بخش دوم مقاله به این مهم اختصاص دارد.

۳. بخش دوم: فضای پسا-کرونا و گسترش عقلانیت ارتباطی منجر به جهان شهرگرایی در آن

در پی همه‌گیری ویروس کرونا امکان مهمی در عرصه بین‌الملل جهت بسط گفت و گوی انتقادی و عقلانی فراهم آمده است؛ گفت و گویی که شرط ضروری و زمینه لازم برای گسترش عقلانیت ارتباط در عرصه عمومی در سطح جهان است. دقیق‌تر آن است که بگوییم، متعاقب با این بحران بهداشتی، برخی فرایندهای از پیش موجود معطوف به جهان شهرگرایی تقویت شده است و برخی فرایندهای کمابیش تازه، یا کمتر مورد توجه قرار گرفته‌شده شرایط پیش از این، طرح یافته یا اهمیتی تازه پیدا کرده است؛ حاصل آن که در شرایط فعلی ظرفیتی قابل توجه برای گسترش عقلانیت ارتباطی معطوف به جهان شهراندیشی، آن گونه که در بخش نخست نوشتار آن را از منظری تئوریک و با مراجعه به نظریه کنش ارتباطی و نسبت آن با جهان شهرگرایی توضیح دادیم، فراهم آمده است. این ظرفیت، و تحول ناشی از آن، را می‌توان در سه سطح درون‌مایه‌های گفت و گوی جهانی در ارتباط با بحران کرونا، بسترهای ضروری برای گفت و گوی جهانی‌باز بحران کرونا و امکان رویکرد مشترک عقلانی برای تغییر رویه‌ها و نتیجتاً عبور از بحران کرونا مطالعه کرد. این سه سطح، هم‌چنان که توضیح می‌دهیم، زمینه تاریخ‌ساز مغتنمی را برای شکل‌گیری زبانی خارج از حوزه اقتدار سیستم‌های حایز قدرت و ثروت در عرصه جهانی پدید آورده است؛ زبانی که، به اقتضای سرشت زبان در عرصه عمومی (آن گونه که در بخش نخست نوشتار توضیح دادیم)، میل به کشف منافع عمومی در سطح جهانی دارد و مستعد شناخت خیر مشترک انبای بشر در شرایط خطیر ناشی از بحران کروناست. سطح نخست این استعداد را به لحاظ جانمایه‌های فکری و نظری لازم برای بحث و گفت و گوی آزاد نشان می‌دهد و سطح دوم بسترهای اجرایی، فنی، روشی و تجربی ضروری برای پدیداری گفت و گوی انتقادی منجر به کشف خیر عمومی و منافع جمعی را در عرصه عمومی بین‌المللی بر اساس مشارکت آزادانه صاحبان اندیشه‌های جهان‌شهرگرایانه مشخص می‌سازد. سطح سوم نیز بیانگر توانمندی منطق ناشی از عقلانیت ارتباطی برای عبور از بحران و کاهش ریسک بحران‌پذیری در شرایط مشابه در آینده است. ذیلاً این سه سطح را توضیح می‌دهیم:

۱.۳ سطح نخست: یکم درونمایه های گفت و گوی جهانی در ارتباط با بحران کرونا

بحران ویروسی کرونا در دو سطح زبان ابزاری مدافع منافع صاحبان قدرت و ثروت (سیستم ها) را در حوزه عمومی و عرصه بین الملل به چالش کشیده است: از یک سوی حوزه های بحث جدیدی برای گفت و گوی انتقادی و منجر به عقلانیت ارتباطی گشوده شده است که اقتضای زبانی تازه و منطقی برآمده از زیست جهان های خارج از سیستم است و از سوی دیگر، به اقتضای طرح پرسش های تازه، نارسایی ها و ناتوانی های زبان سیستم در مواجهه با این بحران بشری بیش از هر زمان دیگری برملا شده است و مشخص گردیده است. به زبان دیگر ما اولاً با مشخص گردیدن استعداد زبان زیست جهان برای شناسایی مراتب بحران و جست و جوی راه حل هایی برای آن مواجه هستیم و ثانیاً با برملا شدن نارسایی زبان سیستم ها جهت فهم مشکل کرونا و تبعات آن و نیز تاکامی آن در ارایه راه حل هایی برای آن روبرو گردیده ایم. ذیلاً این دو حوزه را به بحث می گذاریم:

الف. استعداد زبان زیست جهان برای مبارزه با کرونا: بحران کرونا موثر در شکل گیری وجوهی جدید و ابعادی تازه در سبک زندگی جهانی بشر گردیده است. این سبک زندگی مشترکات زیست جهان آحاد بشر را، فراتر از منطق ناشی از دولت-ملت گرایی و ساختارهای معطوف به سیستم ها، تحت تاثیر قرار داده است. نحوه روبرو گردیدن با این بحران، تاثیر آن بر شیوه های زندگی، تبعات آن در رویکرد به موقعیت ها و مباحثی از این دست منطق مواجهه با بحران را شکل می دهد و چگونگی عبور از آن را مقرر می سازد. این شناسایی، تبیین و جست و جوی راه حل جهت مواجهه با مشکلات ناشی از بحران کرونا و وجوه مختلف آن، همه و همه، در دل امکانات زبانی ممکن می گردد که در فراسوی اتوریتیه سیستم های حایز قدرت و ثروت در عرصه عمومی، کمر همت به کشف خیر عمومی ابنای بشر می بندد. زبانی از این دست، که بیانگر باروری گفت و گو در حوزه عمومی در عرصه جهانی است، در حال شکل گیری و گسترش است. این زبان حایز وجوه مشترکی است که شناسایی آن ها به شناسای مختصات زبان ارتباطی و عقلانیت ناشی از آن در عرصه جهانی کمک می رساند. مشخصاً در سه حوزه می توان این وجوه مشترک زبان ارتباطی معطوف به عبور از بحران کرونا را مشاهده کرد. توجه به این سه حوزه از آن جهت اهمیت دارد که تامل در آن ها گویای استعدادی ویژه در مسیر شکل گیری عقلانیت

ارتباطی در عرصه های فرا-ملی و گام نهادن به سمت ایده مهم جهان شهرگرایی، آن گونه که در بخش پیشین نوشتار آمد، است. این سه حوزه عبارتند از موارد زیر:

یکم. منشا مشترک بحران جهانی کرونا: ویروس کرونا، به مثابه منشا یک بیماری به شدت مسری، مرزها را نمی شناسد و محدودیت ها را لحاظ نمی دارد. برای این ویروس زمین محلی برای گسترش است و، به این ترتیب، ساکنان این کره خاکی، صرف نظر آن که کجا هستند و چگونه بوده اند، تهدید آفرین است.

دوم. رنج مشترک ناشی از بحران جهانی کرونا: به اقتضای همه گیری بحران ویروسی رنج ناشی از آن نیز همه گیر و فراگیر است. حاصل آن که نوعی همدلی منجر به همراهی در پی این پاندمی جهانی بر آحاد بشریت، فارغ از تمایزات معمول، مستولی شده است.

سوم. ضرورت چاره جویی مشترک برای بحران جهانی کرونا: مواجهه با بحرانی از این دست به چاره ای مشترک نیاز دارد و در پی تامل و تدبیری جهان شهر گرایانه، و نه محدود به مختصات یک موقعیت جغرافیایی یا لحاظ منافع یک کشور مشخص، می توان به رفع و رجوع آن و ایجاد زمینه های منجر به کاهش احتمال شکل گیری مشکلاتی مشابه اندیشید. عقلانیت ارتباطی، در نهاد خود، حایز وصف عمومیت است. تحقق عمومیت نمی تواند فارغ از لحاظ مواردی هم چون گیتی ورانه بودن آگاهی و تعهد به پرسه ای که مطابق آن اشخاص، به مثابه افراد حایز جایگاهی خصوصی، از تساوی برای مساهمت در فرایند گفت و گو برخوردارند تضمین یابد. (Habermas, 1991: 238) اکنون چاره جویی برای بحران کرونا بیانگر امر اساسا عمومی است و تنها در پی هم فکری گفت و گو کنندگان در عرصه بین الملل، که عمومیت این بحران را به صورت نظام مند لحاظ می دارند، عبور از آن ممکن می گردد.

ب. نارسایی زبان سیستم ها: بحران کرونا ماهیتی متفاوت با بحران های شناخته شده در عرصه جهانی و حوزه بین الملل دارد و از الگویی پیروی می کند که ساختارهای معمول زبان عرصه بین الملل در فهم مراتب و توضیح امکان های پیش روی جهت مواجهه با آن تا حدی ناتوان و در مواقعی سترون یا حتی منحل و مضر است. در واقع نارسایی این زبان، که ماهیت دولت-ملت پایه دارد، در رفع و رجوع این بحران و توضیح سطوح مواجهه با آن از آن جا ناشی می شود که این بحران مرزها را نمی شناسند و در ارتباط با محدودیت ها یا موقعیت های ناشی از آن ها معنا نمی یابند؛ با این حال عقلانیت ابزار، که متکی بر ذهنیت پرورده در سیستم های حایز قدرت و ثروت است، در مواجهه با بحران هایی این

گونه مصرانه به بهره‌گیری ابزاری از زبان پیش گفته پای می‌فشارد. نکته آن‌جا است که این زبان در مسیر دست‌یابی به راه حل برای بحرانی این‌گونه خود مشکل‌آفرین واقع می‌گردد و به جای امکان‌آفرینی برای اندیشیدن به راه‌های عبور از بحران نسخه‌هایی را می‌پیچد که، به جای خیر عمومی بشریت، منافع صاحبان ثروت و قدرت را تأمین می‌نماید. نگاهی به ادبیات شکل‌گرفته از جانب سیستم‌ها پیرامون کرونا این واقعیت را نشان می‌دهد. زبان پرورده در عرصه عمومی و حامل عقلانیت ارتباطی مشخصاً با این ویژگی قابل‌شناسایی است که به منافع بلند مدت (langfristige Interessen/long term interests) می‌نگرد. نقطه مقابل این وضعیت زبانی است که شوق منافع کوتاه مدت و در دسترس را در عرصه عمومی تحریک می‌کند و مردم، یا بخش‌هایی از آن‌ها را به منفعت طلبی‌های سریع و، احياناً خودخواهانه، فرا می‌خواند. این زبان ما را در مواجهه با بحران کرونا، و شکل بخشی به کنش‌هایی ارتباطی که در آینده خطر بحران‌هایی از این دست را کاهش دهد، یاری می‌رساند و مشخصاً سطوح مختلفی از هم‌فکری و اجماع منجر به شکل‌گیری قواعد را میان مشارکت‌کنندگان بین‌المللی در گفت و گو در باب نحوه مواجهه با بحران افزایش می‌دهد؛ مشارکت‌کنندگان که، برخلاف صاحبان قدرت و ثروت، این‌ها هستند که در معرض پیامدهای بحران کرونا و مشکلات مشابه با آن قرار دارند. نکته آن‌جا است که بر اساس نظریه عقلانیت ارتباطی، تنها قواعدی می‌تواند مورد پذیرش قرار بگیرد که در پی تأیید کسانی باشد که در معرض اثرپذیری از آن هستند. (Habermas, 1990: 66) این عقلانیت را، که ریشه در زیست‌جهان دارد، می‌توان چونان سرمایه‌ای در گردش لحاظ کرد که به کنش ارتباطی، در سطوح مختلف آن، اعتبار و ارزش اجتماعی و مبادلاتی می‌بخشد. به این ترتیب گفت و گو در عرصه بین‌الملل در باب مشکل کرونا، دستیابی به قواعد و ضوابط ضروری برای مبارزه با این بحران را سبب می‌گردد. ذیلاً به سه محور مهم که بیانگر نارسایی زبان سیستم در پاسخ‌گویی به بحران کرونا است می‌پردازیم:

یکم. نارسایی ناشی از تعقیب منافع ملی: مهم‌ترین ویژگی روابط میان کشورها در حوزه بین‌الملل تلاش بی‌وقفه جهت کسب منافع ملی است. زبان سیستم‌ها در حوزه بین‌الملل این رویکرد را معنا بخشیده است و به آن رسمیت داده است. بحران کرونا، به اقتضای ماهیت فرا-ملی و فرا-مرزی آن، با منطقی از این دست ناسازگار است و عقلانیت ابزاری مدافع رویکردی این‌گونه نه تنها قادر به ارائه راه حل در مسیر عبور از بحران نیست؛ بلکه، به احتمال زیاد، در فهم سطوح مختلف بحران نیز به صورت نسبی ناتوان واقع می‌شود.

توضیح بیش تر آن که مناسبات دیپلوماتیک پرورده در روابط میان سیستم‌ها بر اساس زنجیره‌ای از نظام حساسیت‌های دولت-ملت پایه شکل گرفته است که وجهه همت آن‌ها گسترش پیوسته منافع «خود» (self) در ازای کاهش پیوسته منافع «دیگری» (other) است. بر این اساس سیستم در عرصه بین‌الملل می‌کوشند تا به تأمین منافع ملی خود به قیمت کاهش دسترسی دیگری به منافع مشابه پردازند؛ بدین ترتیب، در بسیاری از مواقع، حاصل جمع جبری این روابط صفر است. برخلاف رویکردی از این دست، عقلانیت ارتباطی ناشی از حضور زیست‌جهان‌های متنوع و متلون‌آحاد بشر در حوزه بین‌الملل راه به فهم بحران می‌گشاید و، در نبود دغدغه‌های منفعت‌پایه، پی‌جوی تحصیل درکی از چندوچون مشکل می‌گردد که خیر عمومی ابنای بشر را لحاظ می‌دارد.

دوم. نارسایی ناشی از رویکرد به ایدئولوژی‌ها: از جمله دیگری ویژگی‌های مهم زبان سیستم‌ها در حوزه بین‌الملل رویکرد ایدئولوژیک آن‌ها است. سیستم‌های سیاسی، که مجموعه گسترده‌ای از ایدئولوژی‌ها را شامل می‌شوند، به اقتضای سرشت هویت طلب خود، و با توجه به منطق موجه نحوه حضورشان، نمی‌توانند، و نمی‌خواهند، حضوری فارغ از ایدئولوژی‌ها در این عرصه داشته باشند. بحران کرونا بر فراز ایدئولوژی‌ها قرار دارد و این ایدئولوژی‌ها، که منشا عقلانیت‌ابزاری مورد حمایت سیستم‌ها هستند، از فهم چندوچون مواجهه با آن‌ها ناتوان هستند. عقلانیت ارتباطی ناشی از حضور زیست‌جهان‌های متنوع و متعدد در عرصه گفت و گویی انتقادی اساساً معطوف به خیر جمعی است و، به اقتضای ماهیت خود، در کمند ایدئولوژی‌های مختلف قرار نمی‌گیرد. بحران کرونا از جمله ناتوانی نگرش‌های ایدئولوژیک چپ و راست را در حوزه فرا-ملی مشهود ساخته است.

سوم. نارسایی ناشی از به رسمیت شناختن تمایزگذاری‌های کلاسیک: زبان سیستم بر پایه لحاظ تمایزگذاری‌های کلاسیک ساختاری و غیرساختاری بنا شده است. این تمایزات، از قومیت و ملیت و هویت گرفته تا شکاف‌های شمال و جنوب، فقیر و غنی، مرکز و حاشیه و... همگی، به انواع و انحاء مختلف، در زبان سیستم‌ها تجلی یافته است و، به یک معنا، مکانیزم عملکرد دول را در قبال همدیگر و در رفع و رجوع بحرانی از این دست تحت تأثیر قرار داده است. چنین عقلانیتی اساساً تمایزگذار است و در نهاد خود حاوی توانمندی لازم برای ارجاع به بحرانی فراتر از تمایزهایی از این دست ندارد. آن‌چه راه به فهم مشکل ناشی از بحران‌هایی هم چون کرونا می‌تواند ببرد و در مسیر رفت مشکلاتی از

این دست موثر و کارآمد واقع شود عقلانیتی ارتباطی است که از دل حک و اصلاح های پرافت و خیز نگرش انتقادی و آزادانه مشارکت کنندگان در عرصه گفت و گوی جهانی بر می خیزد و به خیر عمومی ابنای بشر، فراتر از شکاف هایی از این دست، می پردازد.

۲.۳ سطح دوم. بسترهای ضروری برای گفت و گوی جهانی

در این سطح به بسترهای می پردازیم که امکان گسترش عقلانیت ارتباطی را در سطح جهانی بسی افزایش داده است و عملاً زمینه های گفت و گوی انتقادی گسترده در سطح بین المللی و حوزه عمومی ناشی از مشارکت زیست جهان های مختلف و مرتبط با سبک های زندگی آحاد بشریت در گوشه و کنار جهان فراهم آورده است. این بسترها را در دو لایه فن آورانه و زبان شناسانه ای می توان مشاهده کرد. ذیلاً به توضیح این دو لایه می پردازیم:

الف. بسترهای فن آورانه: گفت و گو بر پایه ارتباط و تعامل شکل می گیرد و عقلانیت ارتباطی، در سرشت خود، به بستری ارتباطی و فضایی برای مکالمه نیاز دارد. پیش از این امکانه مشخص، هم چنان که هابرماس در اشاره به فضاهای گفت و گو در کافه های اروپایی قرن هجدهم اشاره کرده است، این امکان را فراهم آورده بود. امروزه روز، متأثر از تحول شگرفی که در فن آوری های مرتبط با ارتباطات شکل گرفته است نه تنها محدودیت های ناشی از حضور در مکانی فیزیکی از میان رفته است؛ بلکه امکان ایجاد ارتباطات به شیوه ای افقی و خارج از اتوریتیه های حاکم بر گفت و گو، و نه عمودی و در پی اراده و اعمال این اتوریتیه ها، ممکن گشته است. هم چنین این تکنولوژی های ثبت و ضبط نتایج گفت و گوهایی از این دست را بسی راحت و امکان هم سهیم سازی داده ها با همه جهان (sharing of data across the globe) و نیز در - دسترس بودن اطلاعات (Data availability) را به صورت غیرقابل تصویری افزایش بخشیده است. این امکان های تازه در مسیر گسترش استعداد رویکرد به عقلانیت ارتباطی قرار دارند و مشخصاً فضایی را برای گفت و گوی خارج از اراده سیستم ها در سطح جهان پدید آورده اند که تصور آن پیش از این ناممکن و نامحتمل بود. فضایی از این دست در پی شیوع ویروس کرونا، و شکل گیری دغدغه ای حیاتی و مشترک میان ابنای بشر برای یافتن راهی به سمت عبور از این بحران و کاهش احتمال بازگشت بحران هایی از این دست، به صورت جدی مورد استفاده قرار گرفته است.

از جمله مهم ترین زیر-ساخت های فن آوران که امروزه روز به کمک گفت و گوی انتقادی در باب کرونا در سطح جهان آمده است اینترنت و شبکه های اجتماعی است. اکنون، و در اوج بحران کرونا، اینترنت برای نخستین بار در تاریخ بشر آن چنان فراگیر شده است که تقریباً همه دینا را به صورتی غیرقابل تصور در دل ساختاری شبکه ای و کمابیش مسطح به یکدیگر متصل کرده است. اکنون، در بسیاری از مواقع، ایجاد ارتباط از طریق اینترنت میان دو آی پی در دو بخش از یک ساختمان همانقدر به زمان، دانش فنی، و انرژی نیاز دارد که برقراری چنین ارتباطی میان دو آی پی در دورترین نقاط جهان با یکدیگر. در بخش پیشین گفتیم که هابرماس، با مراجعه به استعداد کافه های قرن هجدهمی اروپا، شکل گیری فضای گفت و گوی انتقادی و آزادانه را به مثابه نخستین دست مایه عقلانیت ارتباطی توضیح داد. اکنون اینترنت امکانی از این دست را بسی فراتر و بسیار گسترده تر از هر زمانی دیگر در سطح جهان فراهم آورده است. شکل گیری پلتفرم های گفت و گویی، به ویژه شبکه های مجازی، این تصور کلاسیک را که محدودیت های فیزیکی مانعی است بر سر قابلیت آدمی برای همفکری و هم اندیشی کاملاً از میان برده است و عملاً توانمندی زیستی بشر برای اندیشیدن را ضربه قدر قابلیت دسترسی بی حد و حصری در درون این شبکه های قدرتمند نموده است که چند دهه پیش از آن حتی تصور وضعیتی از این دست نیز از مخیله همگان خارج بود. این استعداد گویای شکل گیری حوزه عمومی جهانی و بیانگر ظرفیتی تاریخی و بی مانند برای عقلانیت ارتباطی در حوزه های مرتبط با مشکلات بشری است. با این حال بهره گیری از امکانی از این دست با عادات تاریخی نوع بشر در توجه به حضور فیزیکی و مناسبات رودروی واقعی تا حدی ناسازگار است. بحران کرونا، به صورتی پیش بینی نشده، به اقتضای ضرورت های ناشی از مشکلات دامنگیر آن این عادات را به چالش کشیده است و در عمل فضای گفت و گوی فراخ و گسترده ای را در سطح جهانی و بر روی مدیوم های مجازی پدید آورده است. شاهد این واقعیت شکل گیری مجموعه ای گسترده ای از وینارهای تخصصی طی بحران کرونا بود؛ وینارهایی که شرکت کنندگان در آن ها، از سراسر جهان، فرصت آن را داشتند تا به این مشکل بشری، فراتر از محدودیت های فیزیکی ناشی از حضور یا عدم حضور فیزیک در سالن های کنفرانس در پی مسافرت های طولانی، بپردازند. این شرایط هم به گسترش کمی گفت و گوی انتقادی و آزادانه در سراسر جهان انجامیده است و هم، به دلیل مشارکت گسترده تر و محدودیت کمتر، به ارتقاء کیفی گفت و گو نیز منجر شده است.

علاوه بر این زیر-ساخت اینترنت از زیرساخت ماهواره ها نیز می توان به مثابه یکی دیگر از بسترهای مکالمه جهانی در فضای فراگیری ویروس کرونا یاد کرد؛ البته بحث بر سر این که آیا شبکه های ماهواره ای، برخلاف اینترنت که سرشتی دوجانبه دارد، عملاً به ابزارهایی در خدمت سیستم بدل شده اند یا آن که قابلیت طرح ایده ها و انگاره های مختلف را، از جمله طی مناظره هایی که برقرار می کند، دارند مباحثاتی متعددی را برانگیخته است. برخی بر این باور پای می فشارند که مدیوم ماهواره، برخلاف شبکه های اجتماعی در اینترنت، بیش از آن که به عقلانیت ارتباطی کمک رساند ابزاری قدرتمند بوده است در خدمت عقلانیت ابزاری. هم چنان که توضیح دادیم منطق برآمده از عقلانیت ابزاری سیستم ها به جای گسترش آگاهی انتقادی ناشی از کندوکاو فراگیر برای کشف و پی گیری خیر عمومی، به ارایه خط مشی های ناشی از ملاحظات سیستم ها می پردازد. هابرماس، ضمن توجه به این ویژگی رسانه های عمودی هم چون ماهواره ها، یادآور می شود که تحولات اخیر در ساختارهای رسانه ای تا حدی این توانایی را تحت تاثیر قرار داده است؛ به صورت مشخص شکل گیری رسانه های افقی در عرصه مجازی، که در آن ها همگان قادر به تولید و عرضه محتوا هستند، به جای رسانه های عمودی و کلاسیک، که آگاهی را به صورت کمابیش یک طرفه به عموم مردم و عرصه عمومی عرضه می دارند، به تغییر این معادله تا حدی انجامیده است. (Manoharan and Holzer, 2012: 502) با این حال، و به رغم درستی این رویکرد، نباید فراموش کنیم که گسترش فراوان شبکه های ماهواره های در سراسر جهان از یک سوی تا حدی انحصار رسانه های جمعی (monopoly of mass media) را شکسته است. این گسترش، در مواقع متعددی، امکانی تازه و فراگیر را برای شنیده شدن صدای های زیست جهان و فضای خارج از سیستم فراهم آورده است. مشخصاً در ارتباط با بحران کرونا این مسئله را می توان در برخی سطوح شناسایی کرد و نشان داد. به عنوان نمونه حضور جمع قابل توجهی از متخصصان و پزشکان در رسانه هایی از این دست جهت اطلاع رسانی علمی در باب نحوه شیوه بیماری و شیوه مواجهه با آن قطعاً در مسیر گسترش زمینه های منجر به گفت و گوی انتقادی سازنده و رویکرد به عقلانیت ارتباطی قرار داشته است.

ب. بسترهای زبان شناختی: از جمله پیامدهای جهانی شدن شکل گیری زبان بین المللی مشترک در عرصه جهان است. این وضعیت را در دو سطح پدیداری زبان گرامی مشترک و پدیداری جریان اصطلاح شناسی مشترک می توان تشخیص داد و به بحث نهاد. این

تحولات در حوزه زبان مشترک به بشریت اجازه داده است تا در پی همه‌گیری ویروس کرونا و با بهره‌گیری از مدیوم‌هایی هم‌چون اینترنت به بحث و گفت‌وگوی فراگیر روی آورد و حوزه عمومی جهانی را بسط دهد. ذیلاً این دو عرصه را توضیح می‌دهیم:

یکم. زبان بین‌المللی مشترک: امروزه روز زبان انگلیسی وجهی بین‌المللی یافته است و بخش قابل توجه و موثری از متخصصان و عالمان به این زبان تسلط دارند. ای بسا تحولی از این دست، به دلایل تاریخی یا ملی یا زبان‌شناختی، حایز وجوهی از عدم مطلوبیت باشد و موضوع نقدی موثر واقع شود؛ با این حال، و صرف نظر از انتقاداتی از این دست که در جای خود طرح و بسط آن‌ها مغتنم است، آن‌چه نمی‌توان انکار نمود پیامد این تحول در شکل بخشی به امکان مهم، و ای بسا کم‌مانند در تاریخ، برای گفت‌وگو در باب مشکلات فرا-ملی و جهانی میان زیست‌جهان‌های متعدد و متنوع در سراسر گیتی است. بحران کرونا قابلیت‌های ناشی از این امکان را نشان داد. نگاهی به همایش‌ها، گفت‌وگوهای حرفه‌ای، پنل‌های تخصصی و مطالعات نشر یافته در مدت کوتاه پس از کرونا نشان‌گر اهمیت زبان انگلیسی در گردش اطلاعات و آگاهی مشترک بشری در فضایی گفت‌وگوپذیر است. نکته مهم آن است که گفت‌وگوهای از این دست، که خارج از اتوریته سیستم‌ها و در ارتباط با زیست‌جهان‌های متنوع و متلون شکل می‌گیرد، یا از همان ابتدا به زبان بین‌المللی انگلیسی عرضه می‌گردد و یا، با توجه به توانمندی خیل گسترده‌ای از مشارکت‌کنندگان در جریان دانش‌آفرینی و گفت‌وگوی علمی جهانی در فهم زبان انگلیسی به این زبان ترجمه می‌شود.

دوم. اصطلاح‌شناسی مشترک: در سطحی فراتر از شکل‌گیری زبان‌گرمی جهانی، باید به مفهوم مهم زبان‌شناختی دیگری اشاره کرد که، ای بسا بتوان گفت، حتی فراتر از مورد نخست به مکالمه موثر و جانمایه‌دار بین‌المللی در ارتباط با بحران ویروسی کرونا کمک رسانده است. این مورد شکل‌گیری دانش‌های پایه‌ای کمابیش مشترک در عرصه‌های تخصصی مختلف در جهان، و متعاقب آن، رسمیت‌یابی اصطلاح‌شناسی علمی و ترمنولوژی تخصصی ناشی از این دانش‌های پایه‌های در علوم مختل، از فنی و تجربی گرفته تا انسانی و هنری، است. حاصل این پدیده مهم تاریخی امکان مکالمه فنی و تخصصی موثر میان صاحبان فکر و ایده در سراسر گیتی است. به زبان دیگر، متاثر از این تحول مهم تاریخی، ابنای بشر در سراسر گیتی به نحو بهتری می‌توانند همدیگر را نه تنها در سطوح پیچیده و فنی فهمند و گام در مسیر گفت‌وگوی حرفه‌ای بنهند. ویروس کرونا

تأثیر این مهم را به خوبی نشان داد. از مباحث کاملاً حرفه‌ای در حوزه ویروس‌شناسی و مطالعات اپیدمیولوژی گرفته تا امکان‌های دانشی برآمده از تاملات علوم انسانی در حوزه‌هایی هم چون فلسفه، مطالعات سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی و فردی ما شاهد یک جریان گسترده گفت و گوی علمی و ارتباط سطح بالا میان اهل نظر و صاحبان ایده و فکر هستیم. بخش قابل توجهی از این گفت و گوها خارج از فضای سیستم و در ارتباط با تلاشی دامنه‌دار و جهانی تحقق می‌یابد که بیانگر عقلانیت ارتباطی و گویای توانایی انبای بشر بر اندیشیدن به مشکل خود از منظری فرا-ملی و با هدف شناسایی خیر عمومی بشر است.

۳.۳ سطح سوم: امکان رویکرد مشترک عقلانی برای تغییر رویه‌ها و عبور از بحران

در این سطح، به اقتضای نسبت برقرار میان عقلانیت ارتباطی و جهان‌شهرگرایی (آن گونه که در بخش نخست نوشتار توضیح دادیم)، از استعدادی در پی بحران کرونا صحبت می‌کنیم که بروز و ظهور آن به عقلانیت ارتباطی در سطح جهانی امکان می‌دهد تا به جست و جوی راه‌هایی برای عبور از بحران نایل آید و به ایجاد رویه‌ها و رویکردهایی هنجاری منجر شود که امکان شکل‌گیری بحران‌هایی از این دست را، از یک سوی، کاهش می‌بخشد و توانمندی در عبور از بحران فعلی را، از سوی دیگر، در سطح جهانی تقویت می‌کند. در توضیح این مسأله باید به شکل‌گیری سطوحی از نگرش‌های هنجاری (normative) کمابیش مشترک در حوزه‌هایی نظیر شناسایی اخلاق انسانی، فرهنگ قانونمداری و احترام به حقوق حیوانات، حفظ محیط زیست و رویکرد به توسعه پایدار در عرصه عمومی گفت و گوی جهانی، به گونه‌ای خارج از تسلط سیستم‌های قدرت و ثروت، اشاره کرد. این امکان، به صورت موثری، گفت و گوی معطوف به خیر عمومی جهانی را در میان مشارکت‌کنندگان مستقل افزایش داده است. به عبارت دقیق‌تر، متاثر از عوامل سه‌گانه‌ای که در ارتباط با استعداد زبان زیست جهان‌آمد (منشا مشترک بحران کرونا، رنج مشترک ناشی از کرونا، ضرورت چاره‌جویی مشترک برای کرونا) و با توجه به ناتوانی‌های ساختاری سه‌گانه‌ای که در ارتباط با زبان سیستم‌های بلوک‌های قدرت و ثروت در سطح جهانی شناسایی شد (نارسایی ناشی از تعقیب منافع ملی، نارسایی ناشی از رویکرد به اپیدمیولوژی‌ها، نارسایی ناشی از به رسمیت شناختن تمایزگذاری کلاسیک) ما

شاهد شکل‌گیری یک امکان مهم در عرصه گفت و گوی معطوف به خیر عمومی جهانی هستیم. این گفت و گو همدلی و همراهی جهانی را در میل به اصولی دامن زده است که، برخلاف منافع سیستم‌ها، از اصول جهان‌شهرگرایی دفاع می‌کند؛ اصولی رویکرد به آن‌ها ناشی از بسط عقلانیت ارتباطی در سطح جهان و توان‌یابی زبان ارتباطی پرورنده آن است. در واقع، ذیل‌نگاهی تطبیقی و بر اساس درکی مقایسه‌ای، می‌توان ادعا کرد که پذیرش اصولی از این دست تحت تاثیر بحران کرونا بسی گسترش و نفوذ یافته است. گسترش و نفوذ این اصول با توجه به بسترهای گفت و گوی جهان در زمانه و زمینه ما (فن‌آوران: اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ها؛ زبان‌شناختی: زبان بین‌المللی مشترک، اصطلاح‌شناسی علمی مشترک) تا آن‌جا پیش رفته است که اکنون هم‌اندیشی و همفکری مشارکت‌کنندگان در مسیر معطوف به آگاهی‌منجر به جهان‌شهرگرایی طی بحران ویروسی کرونابیش از هر زمان دیگری ممکن گردیده است. به عبارت دیگر ما شاهد سطحی از باروری گفت و گو (fertility of dialogue) در عرصه جهان‌شهرگرایی بر اساس عقلانیت ارتباطی در سطح جهان در پی شکل‌گیر بحران کرونا هستیم. این زبان ناشی از زیست‌جهان و معطوف به عقلانیت ارتباطی با ویژگی‌هایی نظیر شفافیت و انتقادپذیری پیوسته معنا می‌یابد؛ در حالی که زبان سیستم‌های صاحب‌قدرت و ثروت معطوف به استراتژی و عقلانیت ابزاری است و از چنین ویژگی‌هایی مبرا است.



نمودار شماره (۱): عقلانیت ارتباطی معطوف به جهان شهرگرایی و همه گیری ویروس کرونا

منبع: تهیه شده توسط نویسنده

۴. نتیجه‌گیری

این نوشتار به توضیح پیامدهای اجتماعی همه‌گیری ویروس کرونا در حوزه عمومی جهانی و نظام آگاهی فراملی پرداخت. این مهم از طریق شناسایی معیارهای مرتبط با بسط عقلانیت ارتباطی ناظر بر جهان شهرگرایی (بخش نخست نوشتار) و با لحاظ سطوح مختلف گسترش عقلانیت ارتباطی معطوف به جهان شهرگرایی در فضای همه‌گیری کرونا (بخش دوم نوشتار) تعقیب گردید. در پی تلاشی از این دست وجوه مختلف استعداد عرصه عمومی جهانی برای عبور از بحران کرونا در زمان حاضر مشخص می‌گردد و ظرفیتی در این عرصه شناسایی می‌گردد که رویکرد نظام مند به آن منجر به کاهش امکان شکل‌گیری بحران‌هایی از این دست در آینده می‌گردد. با توجه به مباحث عرصه شده می‌توان نتیجه گرفت که بسط عقلانیت ارتباطی میان مشارکت‌کنندگان در گفت و گوی انتقادی در سطح جهان، به گسترش خرد جمعی جهانی می‌انجامد. در پی این گسترش رویکرد به اندیشه‌هایی هم‌چون لحاظ به هم پیوستگی منافع بشری فراتر از معیارهای قومی و جنسی و ملی، اولویت‌یابی توسعه پایدار در سطح جهانی، پدیداری فهمی فراگیر از فوریت و ضرورت حفاظت از محیط زیست، اهمیت‌یابی احترام به حقوق حیوانات، و... تقویت خواهد گردید. همچنین این نتیجه حاصل می‌آید که امکان گفت و گوی جهانی میان مشارکت‌کنندگان آزاد و فارغ از اتوریته سیستم‌های مدافع بلوک‌های قدرت و ثروت آن‌گاه تقویت می‌شود و توان می‌یابد که ظرفیت شکل‌گرفته در پی بحران کرونا فراتر از این بحران، به مثابه مبنای گفت و گویی انتقادی جهت شناسایی خیر عمومی ابنای بشر لحاظ گردد. در توضیح بستر نظری این مهم، با لحاظ مباحثی که در متن نوشتار آمد، باید به شکل‌گیری ابزار زبان‌شناختی مشترک (زبان مشترک دانشی و...) و فنی (فضاهای گفت و گوی عمومی جهانی همچون اینترنت و...) در عرصه بین‌الملل و میان زیست‌جهانی‌های متعدد مشارکت‌کنندگان در حوزه عمومی بین‌المللی توجه نمود و گسترش کارکردی این ابزار زبان‌شناختی و فنی را در فضای پسا-کرونا به بحث گذاشت. حاصل آن که گسترش جانمایه‌های منجر به آگاهی عمومی و خرد ارتباطی جمعی موثر در گفت و گویی جهانی، از یک سوی و مراجعه موثر و کیفی به ابزارهای مورد نیاز برای ارتقاء مراتب گفت و گویی از این دست، از سوی دیگر زمینه‌ساز رویکرد به عقلانیت ارتباطی در عرصه فراملی و ذیل رهیافت جهان‌شهرگرایانه خواهد شد. هم‌چنان که در نوشتار آمد نشانه مهم این تحول شکل‌گیری برخی وجوه نخستین زبان و خرد ارتباطی موثری در سطح جهان پس از

همه گیری ویروس کرونا است که، برخلاف زبان سیستم ها، عاری از لایه بندی معطوف به منافع، پرده پوشی نظام مند بر واقعیت، تعریف فضاهای دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و حوزه های رسمی و غیررسمی است. این زبان، که ریشه در جست و جوی خیر عمومی توسط زیست جهان دارد و حاصل گسترش عقلانیت ارتباطی در سطح فرا-ملی و جهانی است، میل سیستم ها در ایجاد فضاهای پوشیده را تا حدی مهار نموده است و به پرده گشایی از عرصه های عمومی شخصی و ابزاری گردیده برای جلب منافع صاحبان ثروت و قدرت، از جمله در مبحث کرونا، دست زده است. با توجه به شواهد ارایه شده در مقاله می توان نتیجه گرفت که این زبان به جای منافع معطوف به موقعیت های محلی، درکی جهانی تر از منطق ضروری برای مواجهه با بحران کرونا پدید آورده است و فراتر از نگرش حاکم بر ساختارهای کلاسیک اقتدار، از توان یابی حوزه عمومی در سطح جهان دفاع جانانه تری کرده است.

کتابنامه

- Ahier, John, Beck, John and Moore, Rob (2005), *Graduate Citizens: issues of citizenship and higher education*, London: Routledge.
- Bevir, Mark (2007). *Encyclopedia of Governance*. Volumes 2, California: Sage Publication.
- Brigham, Erin (2012). *Sustaining the Hope for Unity: Ecumenical dialogue in a Postmodern World*. Collegeville, MN: Liturgical Press.
- Brockmeyer, Dirk (2007). *Jürgen Habermas und die kommunikative Rationalität*. München: Grin Verlag.
- Dietz, Simone (1993). *Lebenswelt und System: widerstreitende Ansätze in der Gesellschaftstheorie*. Jürgen Habermas. Würzburg: Königshausen & Neumann.
- Fuchs, Christian und Wolfgang Hofkirchner (2003). *Studienbuch Informatik und Gesellschaft*. Norderstedt: Libri BoD.
- Goode, Luis. Goode Luke (2005). *Jurgen Habermas: Democracy and the Public Sphere*. London: Pluto.
- Habermas, Jürgen (1990). *Moral Consciousness and Communicative Action*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Habermas, Jürgen (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*. Cambridge: MIT Press.
- Habermas, Jürgen (2000). *On the Pragmatics of Communication*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Habermas, Jürgen (1995). *Theorie des kommunikativen Handelns: Zur Kritik der funktionalistischen Vernunft*. Frankfurt am Main: Suhrkamp Verlag.
- Joseph, Sarah (2004). *Political Theory and Power*. New Delhi: Foundation Books.

Kirby, Mark (2000). *Sociology in Perspective*. Oxford: Heinemann.

Manoharan, Aroon, Holzer, Marc (2012). *Active Citizen Participation in E-Government*. Hershey, Pa.: Information Science Reference.

Negt, Oskar and Kluge, Alexander (2010). Excerpt From public Sphere and Experience, in *The Idea of the Public Sphere: A Reader*. Jostein Gripsrud (Ed.), Hallvard Moe (Ed.), Anders Molander (Ed.), Graham Murdock (Ed.), Lanham, MD: Lexington Books.

Trentmann, Frank (2012). *The Oxford Handbook of the History of Consumption*. Oxford: Oxford University Press.

Wallgren, Thomas (2006). *Transformative Philosophy: Socrates, Wittgenstein, and the Democratic Spirit of Philosophy*. Lanham, MD: Lexington Books.

White, Stephen K. (1995). *The Cambridge Companion to Habermas*. Cambridge: Cambridge University Press.